

نگاهی به انتخابات ۱۳۹۶ و پس از آن

حمید رضا جلائی پور

مقدمه

محدوده این ارزیابی کجا است؟ معمولاً تحلیل انتخابات ۱۳۹۶ (ریاست جمهوری و انتخابات شوراهای شهر و روستا) «تهران محور» و بیشتر مبتنی بر «تجربیات» قابل مشاهده تحلیل گران تهران نشین (عمدتاً مردها) و مقداری هم با توجه به «نظرسنجی‌ها و نتایج آماری انتخابات» وزارت کشور است. در صورتیکه برای تحلیلی «فراتهرانی» ما نیازمند به آگاهی از نظرات شهروندان، پس از انتخابات در سراسر کشور هستیم. بدین معنا که در «سطح کمی» از مردم (شهر و روستا، زن و مرد، فقیر و غنی) نظرسنجی شود که چرا به روحانی یا رئیسی رای داده‌اند؟ و همچنین دلایل آنها که رأی نداده‌اند را نیز بدانیم. تا بر اساس این داده‌های سراسری بهتر بتوان پیروزی روحانی و شکست رئیسی را تبیین (تعلیل) کرد. همچنین در «سطح کیفی» در این بررسی باید نظر فعالان انتخاباتی را که در استان‌ها و شهرها فعال بودند جویا شویم. به‌رغم اهمیت این توضیحات و تا انجام تحقیقات فراهانی، این بررسی هدف محدودی دارد و کوشش می‌کند بر اساس شواهد و آمارهای در دسترس نقاط «قوت» و «ضعف» رخداد انتخابات ۹۶ را در جامعه سیاسی ایران از زاویه اهداف و ارزشهای اصلاح طلبی ارزیابی کند و بر پیشنهاداتی برای آینده تکیه داشته باشد.

نقاط قوت

۱- این انتخابات با مشارکت بیش از هفتاد درصد مردم ایران در جهان و منطقه لغزنده خاورمیانه، پایگاه اجتماعی دولت (دولت به معنای وسیع کلمه یا مجموعه نظام سیاسی) در ایران را تقویت کرد. البته دولت در ایران از دو لایه دولت رسمی و دولت موازی (با یک بخش پنهان) تشکیل شده است. واکنش‌های تند بعد از انتخابات (با توجه به سخنان بعضی از اعمه جمعه، مسئولین سپاه و مواضع سیاسی صدا و سیما) نشان می‌دهد که بخشی از «دولت موازی» از نتایج این انتخابات باشکوه راضی نیستند.

۲- به درستی نمی‌دانیم تا چه حد «کارنامه بحران زدای روحانی» و یا «ترس مردم از تقویت جریانی که در گذشته نشان داده پروای حقوق مردم را ندارد» بر نظر ایشان اثر گذاشته است - امیدواریم در پیمایش در دست اقدام بتوانیم به این سؤال بهتر پاسخ دهیم - اما فعلاً شواهد و قرائن بر این نکته صحنه می‌گذارد که متغیر «ترس مردم...» عنصر قابل توجهی در جهت‌گیری

آرا برای اجتناب از جناب رئیسی داشته است. وقوع این پدیده در شرایط بحران اقتصادی، رشد فرهنگ سیاسی دموکراتیک در ایران را نشان می‌دهد.

۳- با وجود اینکه اصول‌گرایان رادیکال از دو راهبرد آشکار ضدیت مستقیم با دولت روحانی (ضدیت قالیباف در مناظره‌های تلویزیونی از همه آشکارتر بود) و دیگری توسل به یک پاپولیسم افسار گسیخته اقتصادی (مثل شعارهای قالیباف و رئیسی: دویت و پنجاه هزار تومان یارانه، به همین میزان کارانه به میلیونها نفر بیکار، دو و نیم برابر کردن ثروت کشور و دادن سند مالکیت خانه به شانزده میلیون حاشیه نشین) و لمپنیسم فرهنگی (دیدار رئیسی با تتلو برای جذب چهار میلیون فالوور تتلو) استفاده می‌کردند اما اکثریت مردم به این پاپولیسم مخرب پاسخ منفی دادند. به رغم توسل به این پاپولیسم و در کشوری که بیش از یک دهه است با رکود و تورم اقتصادی روبرو است، نتایج انتخابات در اکثر نقاط ایران و همه اقشار جامعه نشان می‌دهد (۲۴ میلیون رأی روحانی در برابر ۱۶ میلیون رأی رئیسی) که مردم ایران به نگاه‌های کوتاه مدت شعاری و پاپولیستی در اداره کشور یک «نه» بزرگ گفتند.

۴- در این انتخابات تنها با «پاپولیسم مردم انگیز و مخرب» ذکر شده در بند ۳ روبرو نبودیم بلکه، با «پاپولیسم و مردم‌گرایی مثبت» نیز مواجه شدیم. در این نوع مردم‌گرایی شخصیت‌های مورد اعتماد مردم برای تشویق آنها به شرکت در انتخابات وعده دروغ ندادند بلکه آنها را با این واقعیت که کشور به حمایت مردم و «تکرار» آن حمایت نیاز دارد آنها را دعوت کردند و مردم نیز چنین کردند. یک روز پس از حمایت خاتمی از روحانی، آرای روحانی بیش از شش درصد رشد کرد و این مردم‌گرایی مخرب نیست بلکه سرمایه اجتماعی جامعه ایران است که در جریان انتخابات به نفع کاندیدایی که واقع‌نگرانه‌تر درباره جامعه ایران سخن گفته عمل کرد.

۵- نقطه قوت دیگر اینکه، از ماهها قبل از تبلیغات انتخابات، از سوی اصلاح‌طلبان حصول اجماع کامل روی روحانی انجام گرفته بود و ائتلاف بزرگ اصلاح‌طلبان پس از دو انتخابات ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ در انتخابات ۱۳۹۶ نیز با انسجام بیشتر ادامه یافت - ائتلافی متشکل از همه لایه‌های اصلاح‌طلبان، اعتدال‌گرایان، اصول‌گرایان میانه‌رو، حاملان اختصاصی جنبش سبز و بخشی از تحول‌طلبان. این انتخابات خلاف نظر تحول‌طلبان نشان داد «عملگرایی» اصلاح‌طلبان همچنان در عرصه سیاسی ایران ثمربخش است.

۶- روحانی خصوصاً از مناظره دوم به بعد «ورزیده» عمل کرد و جمعیت گردانی‌اش عالی و بسیج‌گر بود. همچنین جهانگیری پدیده جذاب اصلاح‌طلبان بود که در مناظره اول و در کمپین روحانی نقش شوک موثر انتخاباتی را در فضای آنلاین بازی کرد. بطوریکه عبارت «قالیشویی اسحاق (جهانگیری)» در گفتگوهای روزمره مردم وارد شد. این رخداد تاثیرگذار نشان داد توصیه خاتمی بر ماندن جهانگیری تا آخر مبارزات انتخاباتی بعنوان کاندیدای پوششی ریاست‌جمهوری توصیه‌ای بجا بوده است.

۷- حضور موثر در فضای آنلاین (فضای مجازی) نقطه قوت دیگر اصلاح طلبان بود. اما به چه معنا؟ با وجود اینکه هفتاد درصد تولیدات محتوایی در فضای مجازی متعلق به اصول‌گرایان (با استفاده از امکانات دولت موازی) و حدود سی درصد متعلق به اصلاح طلبان بود. ولی نکته حائز اهمیت این است که هفتاد درصد مخاطبان فضای مجازی از همان سی درصد تولیدات اصلاح طلبان استفاده می‌کردند، تولیداتی که بیشتر مردمی و بدون استفاده از امکانات دولتی تهیه شد و از این‌ها مهمتر بکارگیری شیوه‌های نوین در کمپین تبلیغاتی فضای مجازی بود. اینستا لایو «روحانی ۹۶»، کانال «امتداد»، کانال «برای ایران» به رسانه‌هایی تاثیر گذار و شبانه‌روزی، در دسترس، تعادل بخش و خنثی کننده نبرد سایبری تبدیل شدند و همچنین طرح‌های «هزار میدان»، «یک میلیون زنگ و یک میلیون رای»، «گفت‌وگو در خیابان» قابل توجه بود. ظریف اینکه کانال‌های تلگرامی مردم به رسانه‌های انتخاباتی و در نقش «سازمان رأی» ظاهر شدند. انیمیشن‌ها، پست‌های تبلیغاتی که عمدتاً از تولیدات مردم بود. مانند هشنگ‌های موفق «تغییرات ملموس»، «بر نمی‌گردیم» و «نیمه راهیم» اینها پدیده‌های ویژه این دوره انتخاباتی بودند. این امکانات، انحصار تبلیغاتی صدا و سیما را خنثی کردند. آهنگ «دوباره ایران» در فضای مجازی شگفت‌انگیز و بسیج کننده بود. بطوریکه صبح روز انتخابات، جنبش انتخاباتی در فضای مجازی به فضای واقعی تبدیل شد. در این صبح ما با یک جنبش انتخاباتی فراگیر مردمی و واقعی و نه مجازی در شهرهای ایران روبرو بودیم. از این رو و در شرایط بد اقتصادی موجود مشارکت چهل میلیونی مردم، بیشتر محصول این «جنبش انتخاباتی» بود نه فقط محصول فعالیت نیروهای منسجم سیاسی.

۸- در انتخابات شوراها نمایندگان فراکسیون امید در هیئت نظارت بر انتخابات شوراها اقدامی اساسی انجام دادند و با پافشاری و استواری بر مواضع‌شان تلاش کردند که رد صلاحیت کاندیداهای شوراها را به حداقل برسانند.

۹- به رغم طولانی بودن صف‌های رأی‌گیری (بیش از دو ساعت)، سخت بودن نوشتن نام ۲۱ نفر بر روی برگه رأی و متاسفانه با توجه به پخش تبلیغات بصورت لیست‌های موازی در برابر لیست اصلی اصلاح طلبان، پیروزی اصلاح طلبان در انتخابات شورای شهرهای بزرگ، پیروزی اختصاصی اصلاح طلبان از ۱۳۸۴ تا کنون است. باید به این نکته توجه کرد که چهار سال بعد، اصلاح طلبان تنها با ارائه کارنامه‌ای قابل قبول می‌توانند به این رأی اعتماد مردم به اصلاح طلبان پاسخگو باشند. (در حالیکه شورای سیاست‌گذاری، دو روز پس از تصویب لیست شوراها در «سکوت» رسانه‌ای به سر می‌برد و شرایط حساس شده بود، حمایت به موقع مصطفی تاج زاده و محمد خاتمی از لیست اصلاح طلبان در خنثی کردن لیست‌های موازی موثر بود).

۱۰- جمعیت اهل سنت ایران بالاترین رأی را (حدود نود درصد) به روحانی و دولت رسمی داده‌اند و این در شرایطی است که این مناطق نسبت به سایر نقاط کشور بیشتر در معرض بحران اقتصادی و تبعیض در استفاده از امکانات عمومی قرار دارند.

۱۱- این انتخابات برای کسانی که هدف‌شان جا انداختن جناب رئیسی به عنوان جانشین رهبر بود مشکل ایجاد کرد. به خصوص دیدار رئیسی با تلو و پیامدهایش کار دفاع کردن از رئیسی را حتی برای هواداران مؤمن اصول‌گرا هم سخت کرده است.

۱۲- تمام فعالیت‌های ستادهای انتخاباتی را از صدر تا ذیل اکثراً جوانان بین ۳۰ تا ۴۰ سال انجام دادند. از این نظر نسبت به گذشته پیشرفت در مشارکت نسلی داشتیم.

۱۳- خوشبختانه صدای تحریم کنندگان در این انتخابات (مانند رضا پهلوی، احزاب کرد مسلح مثل حزب دموکرات و کومله، سازمان جبهه ملی در خارج از کشور) از سوی مردم ایران شنیده نشد. حتی همین اقلیتی که انتخابات را تحریم کردند از واژه تحریم استفاده نکرده و از واژه «امتناع» استفاده کردند.

۱۴- اصلاح‌طلبان و دولت روحانی در این انتخابات به امنیت و توجه به اقشار کم درآمد (یا توجه به اصل عدالت اجتماعی) توجه ویژه نشان دادند.

۱۵- همایش جوانان ستاد روحانی، فیلم انتخاباتی روحانی و ستادهای خیابانی حزب اتحاد بسیار موثر و پرنفوذ بودند.

۱۶- مشارکت بالای ایرانیان خارج از کشور.

نقاط ضعف

۱- ما به یک بررسی جامع‌تر و فراهانی درباره انتخابات ۱۳۹۶ نیاز داریم. لذا تا انجام این تحقیقات درباره ارزیابی‌هایی که از انتخابات می‌شود نباید غلو کرده و با احتیاط از آنها استفاده کرد.

۲- به نظر می‌رسد مخالفت اصول‌گرایان رادیکال علیه دولت روحانی پس از شکست در انتخابات همچنان ادامه دارد (بعنوان مثال حرام خواندن رأی مردم، تخطئه روحانی از طریق تشبیه‌های نامدلل تاریخی و یورش به سیاست خارجی تعاملی روحانی). این جریان در گذشته خصوصاً تا قبل از شکست در انتخابات ۱۳۹۲ از راهبرد تبدیل نظام انتخاباتی ریاستی به پارلمانی دفاع می‌کرد تا مسأله مشارکت‌های غیر قابل پیش بینی انتخابات ریاست جمهوری را برای همیشه حل کند. رفتار سیاسی این جریان رادیکال پس از سه بار شکست پی در پی در انتخابات ۱۳۹۲، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ نشان می‌دهد که اگر نتوانند «نظام انتخاباتی» را تغییر دهند، حداقل باید کاری کنند که دولت روحانی و مجلس (با اکثریت میانه‌رو) در اجرای وعده‌هایشان ناکام شوند تا مردم از دولت و مجلس راضی و خشنود نشوند. این مقاومت رادیکال‌ها که با استعانت از امکانات دولت موازی انجام می‌گیرد یکی از پاشنه آشیل‌های دولت روحانی و اصلاح‌طلبان در اجرای برنامه‌هایی است که قول آن را به مردم داده‌اند. (مانند رفع چالش بیکاری، تحریم‌ها، مسأله آب و غیره).

۳- مهمترین وعده انتخاباتی دولت روحانی مهار بیکاری است. این دولت در اجرای وعده مهار بیکاری، سالانه به سرمایه‌گذاری شصت میلیارد دلاری نیاز دارد که این سرمایه‌گذاری جز از طریق سیاست تعاملی و احترام متقابل با خارج میسر نیست. اما یکی از جهت‌گیری‌های مخالفان رادیکال خنثی کردن این سیاست تعاملی است.

۴- اصول‌گرایان افراطی با ماجرای تتلو و حرام اعلام کردن رأی مردم، یا با تبلیغ کردن روی این جمله آیه الله مکارم که: «ما از روی ناچاری بیان می‌کنیم که با رأی مردم باید امور کشور اداره شود»، نشان دادند که از سقوطی اخلاقی رنج می‌برند. اگر

نظام، دولت و اصول‌گرایان میانه‌رو به این سقوط اخلاقی توجه نکنند در آینده می‌توان انتظار داشت که اصول‌گرایان رادیکال دست به اقداماتی بزنند که می‌تواند ضربات غیر منتظره‌ای به مصالح ملی کشور بزند.

۵- روحانی در انتخابات از شعار مهم «آزادی، امنیت، آرامش و پیشرفت» استفاده کرده و برنامه‌های مهمی را اعلام کرده است (حمایت از کارگاه‌های کوچک و متوسط، گسترش شرکت‌های دانش پایه، جذب سرمایه داخلی و خارجی، گسترش گردشگری، تقویت نظام جامع تامین اجتماعی، رساندن سطح رفاه اقشار ضعیف در سه مرحله و وعده‌های دیگر). اجرای این برنامه‌ها نیازمند همکاری مقام معظم رهبری و هر سه قوه، همکاری نیروهای ملی بازار و نیروهای جامعه است و همچنین نیازمند مهار کارشکنی نیروهای رادیکالی که به حمایت دولت موازی مجهز هستند.

۶- با ادامه موانع اشاره شده در بالا، خطر بازگشت به وضعیت قبل یا غیر نرمال گذشته (یا مثل دوره قبل از ۱۳۹۲) وجود دارد.

۷- اگرچه در تهیه لیست شورای شهر، می‌شد شفاف‌تر و دموکراتیک‌تر عمل نمود اما در مجموع لیست‌هایی که رأی آورده‌اند قابل دفاع هستند. تعداد افراد پاک‌دست، متخصص، جوان و زنان در شوراهای قابل توجه است. اما از آنجا که این لیست‌ها «جبهه‌ای» تدوین شده اما احتمال بروز اقدامات «تکنوازان» هست. لذا نیروی اصلاحات که باعث تدوین و تبلیغ این لیست‌های شورا شدند، نباید شوراهای را برای چهار سال آینده به حال خود رها کنند. در این صورت خطر تکرار تجربه شورای اول در تهران هست.

۸- اگرچه اصلاح‌طلبان در این انتخابات با انجام نظر سنجی‌های گوناگون توانستند خلاف سال ۱۳۸۴ روند رفتار انتخاباتی مردم ایران را تشخیص دهند و خوب بر هم اثر بگذارند. ولی همچنان اصلاح‌طلبان نسبت به آگاهی از داده‌های اساسی و تجزیه و تحلیل کارشناسی آن ضعیف هستند و این رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی هستند که داده‌های تحلیلی آنها را تشکیل می‌دهد. در صورتیکه این روند باید معکوس یا حداقل دو طرفه باشد.

۹- هماهنگی و انسجام میان ستادها (ستاد روحانی، ستاد شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان و ستادهای حزب اتحاد) می‌توانست بیش از این باشد. اگر وزارت کشور تعداد صندوق‌ها را بیشتر کرده بود و با انسجام بیشتر ستادها می‌شد دو میلیون نفر بیشتر از مردم رأی گرفت.

جمع‌بندی، راهبرد ها و پیشنهادات

۱- به لحاظ عملی ائتلاف و انسجام اصلاح‌طلبان، اعتدال‌گرایان و اصول‌گرایان میانه‌رو مثل سال ۹۲ و ۹۴ و ۹۶ تا انتخابات دو سال آینده مجلس و انتخابات ۱۴۰۰ ریاست جمهوری باید ادامه پیدا کند. خصوصاً انتخابات شوراهای نشان داد سازماندهی جریان «جبهه‌ای اصلاحات» را باید بازسازی و دموکراتیک‌تر کرد.

۲- این انتخابات نشان داد در ایران همچنان نوعی «دموکراسی غیر لیبرال کنترل شده» در حال آزمون شدن است. اگر همین مقدار دستاورد در آینده با مشکل روبرو شود، مسأله بحران دستاورد انقلاب اسلامی تشدید می‌شود. چون پس از گذشت چهار دهه از انقلاب، از لحاظ توسعه اقتصادی و کنترل آسیب‌های اجتماعی حتی به اهداف سند چشم‌انداز هم نرسیده‌ایم و دستاورد چشمگیری نداریم. اگر «دموکراسی غیر لیبرال موجود» هم نتواند خوب کار کند این بحران دستاورد تشدید می‌شود.

۳- این انتخابات نشان داد که نیروهای جامعه مدنی برای بیرون بردن جامعه سیاسی ایران از چرخه تاریخی «اقتدارگرایی، بی‌نظمی، دوباره اقتدارگرایی» جدی هستند.

۴- این انتخابات نشان داد همچنان چالش اصلی در کشور چالش سیاسی بین طرفداران حکمرانی خوب با طرفداران حکمرانی آمرانه است. زیرا عمل مبارزات انتخاباتی میان دو نیروی اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان بر روی شکاف طبقاتی نبود و در هر دوسو هم رأی دهنده طبقه متوسط، هم طبقه پایین و هم طبقه بالا وجود داشت. (با این همه باید به این نکته توجه شود که: از این انتخابات نمی‌شود نتیجه گرفت که الزاماً همواره شکاف‌های سیاسی، چالش اصلی کشور باقی خواهد ماند. شکاف‌های طبقاتی (که قالیباف و رئیسی به دنبال تحریک این نوع شکاف بودند)، قومیتی، مذهبی، جغرافیایی - بر سر دستیابی به منابع طبیعی - و ... هم می‌توانند روی نگرش سیاسی و رفتار سیاسی مردم تأثیر بگذارند و تأثیرگذاری این نوع شکاف‌ها بعد از انتخابات هم به قوت خود باقی خواهد ماند. از این رو اصلاح‌طلبها باید با این مسائل تعیین نسبت کنند و روشن کنند که در قبال این شکاف‌ها چه موضعی داشته باشند. به عنوان مثال نظرسنجی‌ای که پارسال از نخبگان اصلاح‌طلب انجام دادیم نشان می‌دهد که اصلاح‌طلبها هنوز در خصوص خط مشی‌های اقتصادی به اجماعی تعیین کننده نرسیدند. در واقع خط مشی اصلاح‌طلبانه در اقتصاد ایران به روشنی قابل تشخیص نیست. لذا گویی رأی دادن به یک کاندیدای اصلاح‌طلب، از نظر اقتصادی برای بسیاری از مردم مناطق پیرامونی، حکم خرید یک هندوانه سر بسته رو دارد).

۵- به زبان مردمی می‌توان گفت در این انتخابات اکثریت مردم طعم شکست را نچشیدند. این پیروزی کمک مردم به ایران در منطقه حساس خاورمیانه بود و به نظر می‌رسد منتخبین مردم هم در شوراها می‌توانند سطح کارآیی و مبارزه با فساد در سطح شهرداری‌ها را ارتقاء دهند.

۶- به احتمال زیاد همانطور که اصول‌گرایان رادیکال نگذاشتند دولت روحانی از برجام، در مسیر حرکت کشور به سوی توسعه خوب استفاده کند همچنان اجازه نمی‌دهند که دولت روحانی از انتخابات با شکوه ۱۳۹۶ استفاده کند. مهمترین قدرت روحانی در برابر این مانع تراشی‌ها حفظ پایگاه اجتماعی‌اش است. چگونگی انتخاب اعضای کابینه جایی است که جامعه مدنی و این پایگاه اجتماعی به روحانی نمره می‌دهد.

۷- ما (یعنی اصلاح‌طلبان و دولت روحانی) باید بدانیم رأی اقشار ضعیف معمولاً سلبی است. نباید این جمعیت نا امید شود، اجرای وعده‌های مبتنی بر عدالت اجتماعی روحانی مهم است. در همین انتخابات رأی اقشار ضعیف نسبت به سال ۹۲ شیب رو به کاهش را نشان می‌دهد و اگر ادامه پیدا کند در سال ۱۴۰۰ نگران کننده می‌شود. در ضمن بیاد داشته باشیم به نظر حدود شش میلیون رأی از شانزده میلیون رأی رئیسی «معیشتی» بوده است.

۸- نیاز به اجماع ملی بر سر مهار چالش‌های اقتصادی و زیست محیطی حیاتی است. و این خط باید راهنمای اصلاح‌طلبان باشد. در صورتیکه خط راهنمای اصول‌گرایان رادیکال تشدید شکاف میان اصلاح‌طلبان و مقام رهبری است. همچنین دولت روحانی به آرامش برای جذب سرمایه‌گذاری نیاز دارد و این موضوع هم منوط به تعامل با رهبری و اجماع ملی است.

۹- ممکن است تصور شود سخنان روحانی پس از انتخابات تند است. در صورتیکه این سخنان پاسخی حداقلی به مواضع خصمانه تندروها است. به بیان دیگر روحانی به دنبال ستیز نیست بلکه به دنبال آتش بس به نفع اجماع ملی است.

۱۰- روحیه امید در میان هواداران و خودمان نباید با نقد غیر همدلانه از دولت روحانی ضعیف شود. از این نظر توجه به تجربه ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ و تجربه ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ مهم است. در این دوره ها شاخص‌های کلان اداره کشور پیشرفت را نشان می‌داد ولی عده‌ای از موضع انتقادی سخن از عبور از خاتمی کردند و در نا امید کردن مردم نقش داشتند. در چهار سال آینده، ضمن نگاه به بخش خالی کارنامه روحانی باید بخش پر این کارنامه را نیز برجسته کنیم.

۱۱- با توجه به نقش پر رنگ زنان در این انتخابات، هم در کارهای ستادی و هم در پای صندوق‌های رأی، دادن فرصت بیشتر به زنان در سطوح مدیریتی ضروری است.

۱۲- با توجه به حمایت ویژه اهل سنت از روحانی ضرورت دارد به خواسته‌های جمعیت اهل سنت در چهار سال آینده توجه اختصاصی شود.

۱۳- چرا نباید از جوانانی که با دست خالی یک کمپین موثر انتخاباتی را در ایران سازمان دادند، در مدیریت امور دولتی استفاده کرد؟

۱۴- باید در جبهه اصلاحات مواظب افرادی بود که «حرکت های خاص» می‌کنند. یا همان مواظبت از غضنفرهایی که استعداد گل بخودی زدن دارند.

پایان